

نقطه اب نرفت الداخل را از دم که اب
 پنجم است در بالا بمقتبه داخل هشتم بیست
 این نقطه هفتم در خانه هشتم افتاد و مطلوب
 اب طریق بود سوال از مال برده و به یاری و مهن
 و مال غایب بود و راست نمی آید مگر آنکه از بیع نقطه بگیریم آنرا که اب را با خاک
 طریق دوستی است و الا اب عتبه داخل اب هفت است و او را به هشتم
 است اگر سائل پرسید که قوا مال غایب و غایب پرسید که کوی که نه باید
 بخانه عتبه داخل رود و ببیند که در اینجا چه شکست و از آن جا که رود
 و در اینجا قبض الخارج بود و او صاحب سکن پنجم است کفتم قوا از فزونی
 و معشوق می پرسید کت چنین است دیگر آتش قبض الخارج آتش
 عتبه الخارج را می طلبد و او را در پنجم یافت و آنکه مطلوب آتش قبض
 الخارج را ملاحظه کردیم اب را به جهت آنکه خانه تقوی آتش است نه اب
 پس چنانچه این طریق فزونی و معشوق باشد پس نقطه حکم خاک نرفت
 الداخل است را ندیم درد ویم بطریق برسد و او طالب خاک آنکس بود
 و آنکس را در مرکز مصادق یافتیم یعنی در پایزه یافتیم و این حصول
 مراد و مقصود است از منسوبات این خانه پس از طریق بخاک فوج
 رسید در سیوم و مطلوب خود را که نمره الداخل است در پایزه
 یافت در مرکز مصادق و این نیز دلیل حصول مراد بود پس از آن
 فوج بخاک قبض الداخل پیوست در چهارم و مطلوب او خاک فوج است

در سیوم

در سیوم یافتیم در مرکز مصادق کویم قوا منسوبات این خانه راحت
 خواهد دید و کام و مراد خواهد یافت مطلوب ماضی طریق خاک عتبه
 داخل بود در هشتم کفتم قوا بیشتر ازین ناگاه بجهت مال غایب
 با شریک خوبی پیدا شده و بچی کوکشته و بعد ازین ترا از خود آشنی
 و مال و قدوم غایب نفع خواهد بود و الحال از مقام اهلی علم و مهنی
 نفع خواهد یافت و از غیب از خند مکار و مال تشویشی خواهد یافت
 مطلوب ماضی فوج خاک قبض الداخل است کفتم ترا از ملک و اقربا فایده
 بسیار بود و کاهرت از ایشان برآید بود و الحال ازین و بچوب نفع
 داری و بعد ازین از نفس خود و آبتزای کاری و محبوب نفع نیکی
 خواهد یافت و نگاه ترا از غیب برده و حیوانات در کس مطلوب
 ماضی قبض الداخل است خاک عقل است کویم ترا قبل ازین از سفر مال
 فایده بود و الحال نیز فایده از بهنگد و محبوب و نقل حرکت فایده داد
 بعد ازین از محبوب و قصدی مقامی و نقل حرکت و اقربا نفع بینی
 و از غیب ترا محبوب بدست آید که نقصان مال شود و خصم ضلالت کرد
 و لیکن خواهد کرد در احکام خانه هشتم اگر کسی سوال کند از بهجاری
 و کسب و کاد و خدمت کار و حیوان کوچک و کسب کاو و کوسفند و چینی
 های بهمانی و سوهان و مردم در ویش و قیبت و بدگفتی و بدکردن
 و کسب و سیرازین خانه باید گفت سرخاب گفت کرد این باب سخن
 در علی از اعمال دانین کویم همین موجب یافتیم نقطه همین که اب